

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Ferdowsi (Cont..)

ابوالقاسم حسن منصور ملقب به فردوسی، شاعر و حماسه‌سرای است. او در قرن چهارم می‌زیسته است. عبدالجلیل قزوینی اولین کسی بود که به شیعه دوازده امام بودن فردوسی در کتاب النقض اشاره کرده است. بعدها قاضی نورالله شوشتری نیز او را شیعه معرفی کرده است. از جمله شاعران پارسی‌گوی که از سخنان امام علی(ع) الهام گرفته‌اند، به فردوسی اشاره شده است. اما برخی مانند ابراهیم پورداود و شاگردش محمد معین، او را زرتشتی می‌دانستند و ملک الشعراء بهار نیز او را احیاگر زرتشت دانسته است.

فردوسی در سخن امانت‌دار است و حق‌شناس و او در گفتار بی‌پرده است که نمونه‌اش در انتقاد از شعر دقیقی و فراخواندن پادشاهان به دادگستری است. باور به ماندگاری نام نیک، انصاف در برابر دشمن، ستایش کوشش و دانش، مهر به همسر و فرزند، ستایش درنگ در کارها، نکوهش تنبلی و رشک و باور به ناپایداری جهان از دیگر ویژگی‌هایی است که در سراسر شاهنامه به چشم می‌خورد؛ و سرانجام این که او خودآگاه است، خودآگاه درباره درستی باورها و گفته‌های خویش و خودآگاه درباره جاودانی آفریده خود و فردوسی در ستایش خرد به پیروی از باور حکیمان آن را نخستین آفریدگان پنداشته است. او سروده خود را با ذکر خرد که آن را حد برتر آفرینش دانسته، آغاز کرده:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

فردوسی در شمار آن شاعرانِ نه‌چندان پرشمار در زبان پارسی است که نجابتِ گفتار و پاکِ سخن او آلوده نشده و حتی واژه‌ای که زننده و ناسزا باشد از او سر نرده‌است. آن‌جا هم که او ناگزیر از به‌نظم کشیدن سخنِ خشمگینانه قهرمانانِ داستان‌هایش بوده و دشنامی از زبان آن‌ها بر قلم آورده، هرگز از اندازه متعارف‌ترین واژه‌هایی از این دست فراتر نرفته‌است. ناسزاهایی که فردوسی به‌خاطر رعایت امانت ناگزیر از بیان آن‌ها بوده، هیچ‌یک از مرز پاکِ بیرون نیست و این موضوع هنگامی که به دیوانِ دیگر شاعران نگریسته می‌شود بهتر دریافت می‌گردد. همین عفتِ کلام و نجابتِ بیان، او را به ساخت مضمون‌های تازه‌ای راه‌بری کرده‌است که در اوج نازک‌خیالی و آفرینندگی هستند.

یکی از آثار مورد توجه فردوسی، شاهنامه است. اسلوب و روش به شعر در آوردن شاهنامه از قرآن گرفته شده است هر چند که بلاغت قرآن بالاتر از آن است. فردوسی در شاهنامه بارها سخن از فرهنگ آورده و به‌دنبال پیوند فرهنگ ایران پیش و پس از اسلام با یکدیگر بوده است. برخی سرودن داستان‌های حماسه ملی ایران را ابتکار فردوسی ندانسته‌اند و کسانی همچون مسعودی مروزی و دقیقی طوسی را قبل از او دانسته‌اند. تاریخ می‌گوید، وقتی فردوسی چهل ساله بود، دقیقی، شاعر ایرانی، سال‌ها قبلش به شعر در آوردن تاریخ ملی ایران را شروع کرده بود و پیش از اتمام این کار، به دست غلامش کشته می‌شود.

فردوسی تصمیم به تکمیل کار او می‌گیرد و تاریخی که به دست ابومنصور، حاکم طوس فراهم و شامل تاریخ شاهان قدیم ایران و سرگذشت قوم ایرانی بود را به شعر در می‌آورد. بنابراین، تاریخ ابومنصور معروف به شاهنامه منصوری، عمده‌ترین منبع سرودن شاهنامه فردوسی شد. او در سال ۳۷۰ این کار را شروع و در سال ۴۰۰ به پایان رساند.

ز هجرت شده پنج هشتاد بار که من گفتم این نامه نامدار

شاهنامه پرآوازه‌ترین سروده فردوسی و یکی از بزرگ‌ترین نوشته‌های ادبیات کهن پارسی است. فردوسی هنگامی سرودن شاهنامه را آغاز کرد که زبان پارسی دری توانایی‌های بایسته را برای بیان موضوع‌های گوناگون یافته، اما هنوز در سراسر سرزمین‌های پارسی‌زبان به‌گونه‌ای یکدست و یکسان درنیامده بود؛ و در لهجه هر شهر و ناحیه، واژه‌ها و تعبیرهای ویژه وجود داشت، و گردآورندگان کتاب *مَسَالِك* و *مَمَالِك* به برخی نکته‌ها در این زمینه اشاره کرده‌اند.